

اصول اخلاق حرفه‌ای در آموزش

معصومه ایمانی پور^۱

مقاله‌ی مروری

چکیده

هر مجموعه‌ی سازمانی دارای کدهای اخلاقی متناسب با ساختار حرفه‌ای خود است که اخلاق حرفه‌ای نام دارد. آموزش عالی نیز نظامی حرفه‌ای است و اساتید دانشگاه‌ها به‌عنوان افرادی که مسئولیت تعلیم و تربیت دانشجویان را بر عهده دارند باید از اصول اخلاق حرفه‌ای معلمی آگاهی داشته و به آن پایبند باشند. رعایت اخلاق آموزشی تضمین‌کننده‌ی سلامت فرایند یاددهی-یادگیری در دانشگاه است و موجب افزایش تعهد پاسخگویی مدرسان نسبت به نیازهای دانشجویان می‌شود.

هدف این مقاله‌ی مروری که به کمک مطالعه‌ی کتابخانه‌ای و بررسی کتب و مقالات مرتبط تدوین شده است، تبیین اخلاق حرفه‌ای اساتید دانشگاه‌ها به‌عنوان یک معلم بوده و در آن استانداردهای اخلاقی اساتید در دو نقش آموزشی و تربیتی مورد بررسی قرار گرفته است. به این منظور گزیده‌ای از دستورات اخلاقی اسلام در ارتباط با موضوع تشریح شده و به قوانین برخی از کشورها در زمینه‌ی اخلاق حرفه‌ای تدریس نیز اشاراتی شده است.

بر اساس مبانی اخلاق حرفه‌ای معلمی، یک استاد در دو بعد باید خود را ملزم به رعایت اصول اخلاقی بداند؛ اول، به جهت جایگاه تأثیرگذاری که بر رفتار و افکار فراگیران دارد، باید خود را آراسته به فضایل اخلاقی نماید و بداند موثرترین روش در انتقال ارزش‌های اخلاقی مثبت، آشکار شدن آن‌ها در رفتار واقعی مدرس است. دوم، به جهت وظیفه‌ای که در قبال برآوردن نیازهای آموزشی دانشجویان دارد، باید با رعایت حداکثری اصول اخلاقی در انجام وظایف حرفه‌ای، مسئولیت‌های آموزشی خود را به بهترین نحو به انجام رساند.

واژگان کلیدی: اخلاق حرفه‌ای، معلمی، تدریس، تربیت اخلاقی

^۱ عضو هیأت علمی مرکز تحقیقات مراقبت‌های پرستاری و مامایی، دانشگاه علوم پزشکی تهران

* نشانی: تهران، میدان توحید، دانشکده پرستاری و مامایی دانشگاه علوم پزشکی تهران، دپارتمان مراقبت‌های ویژه، تلفن: ۶۱۰۵۴۴۰۵،

Email: m_imanipour@tums.ac.ir

مقدمه

فلاسفه علم اخلاق را به دو قسمت تقسیم می‌کنند: اخلاق نظری که وظیفه آن مطالعه‌ی صفات و اعمال اخلاقی و پاسخ به سؤالات و استدلال در مورد خوبی یا بدی اعمال است و اخلاق عملی که تلاشی عملی است برای رسیدن به وضعیت اخلاقی مطلوب و دستیابی به فضایل اخلاقی (۱، ۲). علامه محمد حسین طباطبایی (ره) در تعریف علم اخلاق می‌فرماید: «علم اخلاق عبارت است از فنی که پیرامون ملکات انسانی بحث می‌کند و هدف آن این است که فضایل اخلاقی را از رذایل اخلاقی معلوم سازد تا آدمی بعد از شناسایی آن‌ها، خود را با فضایل بیاراید و از رذایل دور کند (۱). اما آنچه مهم است این‌که انسان‌ها اخلاقی زاده نمی‌شوند و باید تربیت شوند. از دید علما آدمی تربیت شده است که آنچه فضیلت نامیده می‌شود در او رشد کرده و به‌صورت ملکه در آید (۳). پیامبر اسلام نیز در سخنی می‌فرماید «بِالتَّعْلِيمِ أُرْسِلْتُ» یعنی من برای تعلیم فرستاده شده‌ام و در جایی دیگر می‌فرماید «أَنَا بُعِثْتُ لِأَتَمِّمَ مَكَارِمَ الْأَخْلَاقِ» به این معنی که «من برای تکمیل نیکی تا اخلاق نیک را تکمیل نمایم». این دو فرمایش بر این دلالت دارند که تعلیم و تربیت در کنار هم بوده و مورد تأکید دین مبین اسلام هستند. بر این اساس، ضروری است افرادی که در تعلیم و آموزش افراد جامعه نقش دارند، اولاً وظایف اخلاقی مرتبط با حرفه‌ی خود را بشناسند تا مسئولیت‌های شغلی خود را بدون نیاز به هر گونه ناظر خارجی به‌خوبی انجام دهند؛ ثانیاً متوجه باشند که در جایگاه شغلی خود وظیفه‌ی تربیت اخلاقی افراد را هم به عهده دارند و لذا برای انجام این وظیفه ابتدا خود باید ملتزم به اخلاق عملی باشند.

عرصه‌ی آموزش عالی و دانشگاهی کارکردهای مختلفی دارد که مهم‌ترین و گسترده‌ترین آن‌ها، آموزش علمی و عملی دانشجویان در رشته‌های مختلف است. اساتید و اعضای هیأت علمی دانشگاه‌ها که بخش عمده‌ی این کارکرد به عهده‌ی آن‌هاست به سبب حرفه‌ی معلمی خود، وظایف و

مسئولیت‌های اخلاقی دارند که از آن‌ها به‌نام اخلاق حرفه‌ای معلمی یاد می‌شود. اخلاق حرفه‌ای معلمی مؤلفه‌هایی دارد که عمدتاً بر دو بخش فوق یعنی وظایف اخلاقی استاد در انجام نقش تعلیمی که به عهده دارد و وظایف اخلاقی استاد در راستای نقش تربیتی که دارد تمرکز دارند.

به منظور بررسی استانداردهای اخلاق معلمی در این دو بخش، مطالعه‌ی کتابخانه‌ای با استفاده از واژه‌های اخلاق حرفه‌ای^۱، حرفه‌ای‌گری^۲، تدریس^۳، معلم^۴، منش معلمی^۵، مسئولیت اخلاقی^۶ و برنامه‌ی درسی پنهان در نشریات معتبر و پایگاه‌های اطلاع‌رسانی SID، Magiran، Iranmedex، Eric، Ebsco، Taylor & Francis انجام شد. همچنین، به برخی کتب فارسی و انگلیسی در حوزه‌ی فرایند آموزش، تعلیم و تربیت و اخلاق رجوع گردید. بررسی کتابخانه‌ای صورت گرفته نشان داد که در ایران در حوزه‌ی علوم انسانی تنها تعدادی مطالعه‌ی مروری در زمینه‌ی اخلاق علمی یا پژوهشی انجام شده و چند مطالعه‌ی تطبیقی در زمینه‌ی اخلاق آموزشی و فلسفه‌های اخلاق یا مکاتب تعلیم و تربیت صورت گرفته است. همچنین، به منظور بررسی نقش روابط انسانی و برنامه‌ی درسی پنهان در تربیت اخلاقی فراگیران تعدادی مطالعه‌ی پژوهشی در دوره‌ی آموزشی قبل از دانشگاه انجام شده است. اما مطالعه‌ای که به تشریح استانداردهای اخلاق حرفه‌ای معلمی در ابعاد آموزشی و تربیتی پرداخته باشد یافت نگردید. لذا هدف اصلی این مقاله تبیین استانداردهای اخلاقی اساتید در دو بخش وظایف آموزشی و نقش تربیتی ایشان می‌باشد و برای پاسخ به این سؤالات که استانداردهای اخلاق حرفه‌ای اساتید چیست و نقش تربیتی اساتید در قبال دانشجویان چگونه بوده و چه‌طور باید به

¹ Professional ethics

² Professionalism

³ Education/Instruction

⁴ Teacher/Faculty/Instructor/Educator

⁵ Teacher conduct/Disposition

⁶ Moral responsibility

(۴). آشنایی با این معیارهای اخلاقی و پایبندی به آنها در تعالی اخلاقی و حرفه‌ای افراد شاغل در یک نهاد و به تبع آن ارتقاء جایگاه اجتماعی آن نهاد یا سازمان در جامعه و تأثیرگذاری آن بر افراد کمک می‌نماید.

اخلاق حرفه‌ای در آموزش عالی

همان‌طور که اشاره شد اخلاق حرفه‌ای به مسائل و رفتار اخلاقی یک نظام حرفه‌ای مانند حرفه‌ی پزشکی، وکالت، مهندسی و ... می‌پردازد و ناظر بر افعال ارادی افراد آن حرفه در حیطه‌ی فعالیت‌های حرفه‌ای خودشان است. آموزش عالی نیز نظامی حرفه‌ای است و مجموعه‌ای از رفتارهای انسانی شاغلان آن در شکل‌دهی فضای اخلاقی آن نقش دارد (۶).

اخلاق حرفه‌ای در آموزش عالی به مشخص کردن حدود و ثغور رفتارهای مناسب یا نامناسب و هدایت اعضای هیأت علمی در اجرای مسؤولیت‌های حرفه‌ای می‌انجامد (۱). از آن‌جا که مسؤولیت‌ها و وظایف حرفه‌ای اساتید و اعضای هیأت علمی دانشگاه‌ها عمدتاً در سه حوزه‌ی آموزشی، پژوهشی و کارآفرینی تقسیم می‌شود اخلاق حرفه‌ای آموزش عالی نیز ناظر بر هر سه حوزه است اما آنچه در این مقاله موضوع بحث و بررسی است تنها پرداختن به حوزه‌ی مسؤولیتی اول یعنی آموزش است که از منظری مهم‌ترین و بیش‌ترین حوزه‌ی کاری اساتید را شامل می‌شود.

اخلاق حرفه‌ای آموزش و تدریس

سه گروه اصلی تأثیرگذار و تأثیرپذیر مرتبط با کارکرد آموزشی دانشگاه عبارتند از مدیران و سیاست‌گذاران، اعضای هیأت علمی و دانشجویان. در این میان، اعضای هیأت علمی نقش اصلی را در اداره و هدایت امر آموزش بر عهده دارند. پایبندی اعضای هیأت علمی به اصول و ارزش‌های اخلاق حرفه‌ای، هم از منظر توسعه‌ی فرهنگ سازمانی مبتنی بر اخلاقیات و هم از منظر انتقال صفات ممیزه و ویژگی‌های برجسته‌ی انسانی به دانشجویان و در نتیجه اشاعه‌ی آنها در جامعه، بسیار حائز اهمیت است (۱). اساتید دانشگاه‌ها صرف‌نظر از رشته‌ی تخصصی خود که باید در آن مهارت

فعالیت برسد، ابتدا تعریف اخلاق حرفه‌ای ارائه شده و مفهوم آن مورد واکاوی قرار گرفته است. سپس به اخلاق حرفه‌ای در حوزه‌ی آموزش عالی و حرفه‌ی معلمی پرداخته شده و نهایتاً سعی گردیده اخلاق حرفه‌ای معلمی در دو بعد وظایف حرفه‌ای و آموزشی اساتید و نقش تربیتی ایشان تشریح گردد.

مفهوم‌شناسی و اهمیت اخلاق حرفه‌ای

موضوع اخلاق حرفه‌ای^۱ مدت زمانی است در کشورهای مختلف و در گروه‌های شغلی و حرف مختلف مورد توجه قرار گرفته و تلاش‌هایی در جهت تدوین کدها و استانداردهای اخلاقی صورت گرفته است. دانشگاه‌ها نیز از آن‌جا که به مثابه‌ی پیش‌تازان حرکت‌های فرهنگی، اجتماعی و سیاسی جوامع بوده و اعتقادات و باورهای حاکم بر آنها، دیر یا زود به کل جامعه تسری یافته و عرصه‌های تازه‌ای را به‌سوی آحاد مردم خواهد گشود، از توجه به اخلاق حرفه‌ای بی‌نیاز نیستند (۱).

اخلاق حرفه‌ای به چگونگی رفتار، ادب و عمل شخص هنگام انجام کار حرفه‌ای می‌پردازد. این کار می‌تواند مشاوره، پژوهش، تدریس، نویسندگی، طبابت یا هر شغل دیگری باشد. در واقع، اخلاق حرفه‌ای مجموعه‌ای از اصول و استانداردهای سلوک بشری است که رفتار افراد و گروه‌ها در یک ساختار حرفه‌ای را تعیین می‌کند و مفهوم آن از علم اخلاق اتخاذ شده است. به عبارت دیگر، مجموعه قوانین اخلاقی که از ماهیت حرفه یا شغل به‌دست آمده، اخلاق حرفه‌ای نام دارد (۴). هدف از اخلاق حرفه‌ای، مسؤولیت اخلاقی است که فرد در شغل خود دارد. مثلاً پزشک به‌عنوان یک شخص حقیقی مسؤولیت‌های اخلاقی دارد که بر گرفته از شغلی است که بر عهده گرفته است، به‌گونه‌ای که اگر شغل دیگری می‌پذیرفت مسؤولیت‌های اخلاقی وی تغییر می‌کرد. لذا هر شغلی به اقتضای حرفه‌ای، مسؤولیت‌های اخلاقی ویژه‌ای می‌آفریند (۵). حرفه‌های گوناگون بر حسب میزان حساسیت و وظیفه‌ای که در خدمت به جامعه دارند معیارهای اخلاقی متفاوتی دارند

^۱ Professional ethics

داشته باشند، از آن‌جا که وظیفه‌ی تدریس و آموزش را به عهده دارند باید در حرفه‌ی معلمی هم مهارت داشته و با اصول حرفه‌ای آن آشنا باشند؛ چرا که آموزش نخستین کارکرد و مأموریت دانشگاه محسوب می‌شود. آموزش‌های ارائه‌شده از سوی یک نظام آموزشی ممکن است منجر به بروز رفتارهایی خاص در جامعه شود که از نظر اخلاقی قابل نقد و بررسی باشد. برای مثال، نحوه‌ی تدریس می‌تواند موجبات یادگیری مطلوب دانشجویان متناسب با تحولات علمی و تقاضاهای جامعه را فراهم بیاورد یا نیاورد؛ منابع آموزشی، محتوا و سرفصل‌های دروس ممکن است به‌گونه‌ای باشند که نوع خاصی از تفکر و اندیشه را تقویت یا تضعیف کنند که برای جامعه دارای فواید یا مضرات فراوانی باشد، نوع رفتار استاد می‌تواند بر منش و رفتار دانشجویان تأثیر مثبت یا منفی داشته باشد (۶).

بنابراین، اصول اخلاق حرفه‌ای آموزش از دو بعد قابل بحث است: اول، استانداردهای اخلاقی که باید در امر آموزش رعایت شوند و مربوط به فرایند یاددهی- یادگیری هستند. دوم، اصول اخلاق فردی که فرد باید خود را ملزم به رعایت آن‌ها در هر زمان و مکانی بداند. در این نوشتار بعد اول تحت عنوان الزامات اخلاق حرفه‌ای معلمی مورد بحث قرار گرفته و سعی می‌شود هم به کدهای اخلاقی استاندارد جهانی و هم به دستورات اخلاقی دین مبین اسلام اشاره شود. بعد دوم در قالب نقش استاد در تربیت اخلاقی دانشجویان و اهمیت الگو بودن استاد تبیین می‌شود.

۱- الزامات اخلاق حرفه‌ای معلمی

۱-۱- الزامات اخلاق حرفه‌ای معلمی از منظر دانشگاه‌های مختلف دنیا

به‌طور کلی، در ارتباط با کارکرد آموزشی دانشگاه باید گفت رعایت اخلاق آموزشی تضمین‌کننده‌ی سلامت فرایند یاددهی- یادگیری است. در حقیقت، ضوابط و ارزش‌های اخلاقی مرتبط با آموزش و یادگیری به این امر کمک می‌کند که حقوق دانشجویان در برخورداری از بهترین آموزش‌ها و

شان یادگیری از یک‌طرف و شأن و جایگاه علم و علم‌آموزی از طرف دیگر رعایت شود (۴).

دانشگاه‌های بسیاری از کشورها در راستای فراهم کردن یک مجموعه از ضوابط و استانداردهای اخلاقی که همه‌ی افراد به آن معتقد باشند و افزایش پایبندی به اصول حرفه‌ای، برای بخش آموزش به‌ویژه شاغلین حرفه‌ی معلمی یک مجموعه راهنما از کدهای اخلاقی تدوین کرده‌اند (۲). به‌عنوان نمونه، از نظر انجمن معلمان آمریکا^۱، معلمین موظفند محیط آموزشی‌ای ایجاد کنند که زمینه‌ی تکمیل استعداد و توانایی بالقوه‌ی همه‌ی دانش‌آموزان را فراهم نماید. این انجمن معتقد است معلمان باید مسائلی مانند تعهد به قوانین و آداب مدنی مانند کوشش و پشتکار، مسئولیت‌پذیری، همکاری، وظیفه‌شناسی، وفاداری، صداقت و راستی، احترام به قانون، احترام به دیگران و خود را رعایت نمایند. به‌طور کلی، کدهای اخلاق حرفه‌ای معلمان توسط این انجمن در چهار حیطه‌ی رفتار با دانش‌آموزان، رفتار با همکاران، رفتار با والدین و جامعه، انجام فعالیت‌ها و عملکرد مربوط به خود تقسیم‌بندی شده و هر مورد با ذکر مصداق به بحث گذاشته شده است (۷).

کالج معلمان انتاریو^۲ نیز یک‌سری استانداردهای اخلاقی را برای معلمان نام می‌برد که عبارتند از: مراقبت به معنی دلسوزی، پذیرش، علاقه‌مندی و بیش داشتن نسبت به تدارک و پرورش استعداد بالقوه‌ی دانشجویان؛ اعتماد به معنی رعایت بی‌طرفی و انصاف؛ شفاف بودن؛ صداقت در ارتباط با دانشجویان، افراد حرفه‌ای، والدین، همکاران و سایرین؛ احترام به معنی رعایت ادب و احترام به کرامت انسانی، خوب بودن عاطفی و تکامل شناختی؛ تمامیت به معنی رعایت صداقت، قابل اعتماد بودن و انجام عمل اخلاقی (۸). در اخلاق حرفه‌ای تعریف‌شده از سوی انجمن استادان دانشگاه‌های

^۱ Association of American Educators (AEE)

^۲ Ontario College of Teachers

۷- ارزشیابی معتبر دانشجویان^۷: استاد باید در ارزشیابی دانشجویان از روش‌های معتبر استفاده کرده و شفاف و بی‌طرف باشد و متناسب با اهداف آموزشی دوره، دانشجویان را ارزشیابی نماید.

۸- تسلط به اصول آموزش^۸: مدرس باید کاملاً با اصول آموزش و روش‌های تدریس آشنا بوده و روش تدریسی را انتخاب کند که برای رسیدن به اهداف آموزشی مورد نظر مناسب باشد.

نکته‌ی قابل توجه این‌که مواردی چون تسلط به اصول آموزش و ارزشیابی معتبر دانشجویان با این‌که جزو کدهای اخلاق حرفه‌ای استاندارد اغلب کشورهای جهان هستند، اما اغلب مدرسان دانشگاه‌ها بدون آمادگی قبلی در زمینه‌ی اصول معلمی وارد این حرفه می‌شوند. مثلاً اغلب مدرسان و اساتید پزشکی فرایند آموزش و تدریس را از راه آزمون و خطا و در حین کار با دانشجویان یاد می‌گیرند. حال آن‌که آشنا بودن افراد با حرفه‌ی معلمی و تسلط داشتن به آن، یکی از راه‌های موثر برآوردن نیازهای دانشجویان و ارتقاء و بهبود کیفیت کلی آموزش است (۱۳). در کشور ما نیز شرایط همین‌گونه است یعنی تنها معلمان مقاطع تحصیلی قبل از دانشگاه، دوره‌های آموزشی رسمی معلمی را می‌گذرانند و با این حرفه و اصول و استانداردهای عملی و اخلاقی آن آشنا می‌شوند. در حالی که ضوابط و معیارهای جذب و پذیرش اساتید دانشگاه‌ها متفاوت بوده و اغلب به توانمندی‌های علمی، عملی و پژوهشی اساتید در رشته‌ی تخصصی آن‌ها نظر دارد. لذا با وجود این‌که اساتید در رشته‌ی تخصصی خود بسیار توانمند هستند، اما غالباً به اصول حرفه‌ی معلمی و فرایند تدریس و آموزش تسلط نداشته و از راه آزمون و خطا، یا به تقلید از آنچه از اساتید خود دیده‌اند، به تدریس و آموزش دانشجویان مبادرت می‌کنند. بنابراین، با عنایت به این‌که تسلط به اصول حرفه‌ی معلمی از الزامات اخلاقی این حرفه است لازم است

ایالات متحده^۱، اصولی هم‌چون واقع‌بینی، عینیت‌گرایی و بی‌طرفی علمی به‌شدت مورد تأکید قرار می‌گیرند (۹).

به‌طور کلی، اگر چه اصول اخلاق حرفه‌ای مربوط به شغل معلمی در موسسات آموزش عالی کشورهای مختلف، خاص و تابع قوانین هر کشور است اما غالباً در همه‌ی آن‌ها اصول زیر دیده می‌شود (۸-۱۲):

۱- توانمندسازی دانشجویان^۲: استاد باید در تکامل شناختی دانشجویان مشارکت فعال داشته باشد و از اعمالی که همراه با تبعیض یا استثمار دانشجو هستند بپرهیزد.

۲- ارتباط بی‌طرفانه با دانشجویان: استاد باید از ورود به یک ارتباط عاطفی دوطرفه با دانشجویان خود که منجر به مساعدت نسبت به یک‌نفر یا اصطلاحاً پارتی‌بازی می‌شود اجتناب کند.

۳- رازداری^۳: نمرات، گزارشات حضور و غیاب، صحبت‌ها و ارتباطات فردی دانشجویان به‌عنوان مطالب محرمانه تلقی شده و تنها با رضایت دانشجو یا برای امور قانونی دانشگاهی قابل ارائه به دیگری هستند.

۴- احترام به همکاران^۴: استاد دانشگاه باید به مقام و شأن همکاران خود احترام گذاشته و همراه با آنان در جهت تکامل و توانمندسازی دانشجویان همکاری نماید.

۵- احترام به موسسه^۵: لازم است مدرس دانشگاه نسبت به اهداف آموزشی، سیاست‌ها و استانداردهای مؤسسه‌ی آموزشی آگاه بوده، به آن‌ها احترام گذاشته و از آن‌ها تبعیت نماید.

۶- تسلط به محتوا^۶: یک استاد دانشگاه باید کاملاً به موضوع تدریس خود احاطه داشته و از دانش کافی در این زمینه برخوردار باشد و مطمئن باشد که محتوای ارائه‌شده دقیق، درست، به روز و متناسب با دوره‌ی مورد نظر است.

¹ American Association of University Professors (AAUP)

² Student development

³ Confidentiality

⁴ Respect for colleagues

⁵ Respect for the institution

⁶ Content competence

⁷ Valid assessment of students

⁸ Pedagogical competence

به مسأله‌ی توانمندسازی اساتید و اعضای هیأت علمی دانشگاه‌ها در فرایند تدریس و آموزش بیش‌تر پرداخته شود.

۱-۲- الزامات اخلاق حرفه‌ای معلمي از منظر تعاليم اسلامي

در اندیشه‌ی دینی که همواره تعلیم، تهذیب، دانایی و دینداری، همزاد و همراهند و تأکید کتاب آسمانی قرآن مکرراً بر تهذیب و تعلیم به‌عنوان دو رسالت بزرگ پیامبران است، الگوی روشنی فرا روی کسانی که رسالت آموزش و راهبری را بر دوش می‌کنند، قرار می‌گیرد (۱۴). در تفکر دینی اسلام و نیز در فرهنگ سنتی کشور ایران از قدیم الایام فرض بر این بوده که معلمان آراسته به بالاترین شاخصه‌های اخلاقی در یک جامعه هستند و خانواده‌ها با همین فرض، با تمام وجود به معلمان اعتماد کرده و سرنوشت فرزندان خود را به آن‌ها می‌سپارند تا تحت تعلیم و تربیت قرار گیرند. برای این‌که بر این فرض خدشه‌ای وارد نیاید لازم است معلمان و اساتید به وظایف اخلاقی حرفه‌ی خود آگاهی یابند و آن‌ها را رعایت نمایند تا بتوانند تعهدات خود نسبت به دانش‌آموزان و دانشجویان را به‌درستی به انجام برسانند.

شهید ثانی در کتاب معروف و ارزشمند خود به‌نام منیه المرید فی آداب المفید و المستفید که تحت عنوان آداب تعلیم و تعلّم در اسلام توسط حجت الاسلام دکتر سید محمد باقر حجتی ترجمه شده است (۱۵)، با بهره‌گیری از تعالیم متعالی اسلام که به امر تعلیم و تربیت و مقام والای معلمی بسیار ارج نهاده است، آداب و وظایف حرفه‌ای و اخلاقی معلمان را در چهار حیطه‌ی مربوط به خود، مربوط به دانشجویان، مربوط به امر تدریس و مربوط به امور علمی برمی‌شمارد. از آن‌جا که این کدهای اخلاقی و وظایف حرفه‌ای بسیار زیاد بوده و شرح تمام آن‌ها در حوصله‌ی این مقاله نیست، تنها به گزیده‌ی مهمی از اصول اخلاق حرفه‌ای مدرسین اشاره می‌شود:

۱- دلسوزی نسبت به دانشجویان و تفقد از ایشان: معلم باید هر آن‌چه خود خواهان آن است برای دانشجویان خود نیز بخواهد و هر گونه شر و بدی که برای خود نمی‌پسندد برای شاگردانش نیز نپسندد. چون این‌گونه برابراندیشی نمایانگر

ایمان کامل و روح تعاون و همبستگی معلم نسبت به دانشجویان است. از سوی دیگر، تفقد از احوال دانشجویان از حس شفقت و دلسوزی معلم ریشه می‌گیرد. مثلاً اگر یکی از دانشجویان در کلاس حاضر نشد و غیبت او طولانی و غیر عادی گشت، معلم باید از احوال او پرس و جو کند و علت غیبت او را جویا شود (۱۵).

۲- احترام به شخصیت دانشجویان: یک استاد نباید نسبت به دانشجویان خود رفتاری تکبرآمیز در پیش بگیرد و نسبت به آن‌ها بزرگی بورزد. لازم است دانشجویان را با بهترین القاب و نام‌ها خطاب کند و به‌گونه‌ای از آن‌ها یاد نکند که موجب تحقیر و توهین آن‌ها شود. استاد باید در بحث و گفت‌وگو با دانشجویان و در حین تدریس منصف بوده و به شخصیت ایشان احترام بگذارد، به این معنی که اگر سخن درست و مفیدی از دانشجویی شنید به اهمیت و ارزش آن اعتراف کند هر چند آن دانشجو کم سن و سال باشد. باید به سؤالات بجا و به مورد دانشجویان منصفانه گوش دهد و از شنیدن سؤال آن‌ها استنکاف نورزد (۱۵). اعتراف به اهمیت افکار دانشجو منجر به تحقق خودباوری و اعتماد به نفس در آن‌ها می‌شود و دانشجویان در صورت پذیرفته شدن از جانب اعضای هیأت علمی، فرایند تحصیل خود را با سلامت و موفقیت بیش‌تری طی می‌کنند (۱). تدریس در مؤسسات آموزش عالی به جهت ارتباط با دانشجویانی که در سنین جوانی به‌سر می‌برند، حساس‌تر از تدریس در مقاطع دیگر است. دانشجویان به لحاظ شخصیتی، دارای عزت نفس، میل به ابراز وجود و اظهار نظر هستند. اگر چه ممکن است اشتباهی هم از آن‌ها سر بزنند لکن اصل مدارا و خونسردی در این مقطع بسیار ضروری است (۱۶).

۳- رعایت عدالت و مساوات: معلم نباید در اظهار محبت، توجه و التفات به شاگردان، در صورتی‌که از لحاظ سن، فضیلت و دینداری با هم برابر باشند تبعیض و تفاوتی قایل شود. زیرا تبعیض و عدم رعایت مساوات در محبت و توجه به آن‌ها موجب ناراحتی روانی و دلزدگی آن‌ها از یکدیگر

به صورت دسته جمعی برگزار کنند زیرا انعقاد مجلس درس به صورت دسته جمعی، متضمن فواید و نتایج مطلوبی است که درس‌های انفرادی فاقد آن هستند (۱۵). ابن سینا، حکیم و پزشک بزرگ ایرانی نیز در نوشته‌های خود بر آموزش گروهی تأکید دارد و آن را دارای فواید بسیار از جمله یادگیری آداب معاشرت، ارتباط با دیگران و تسهیل فرایند اجتماعی شدن می‌داند (۱۷).

۵- اصول کلاس‌داری و شرایط کلاس: بر اساس اصول اخلاقی معلمی، استاد باید با آمادگی کامل و با جامه و بدنی پاکیزه وارد جلسه کلاس شود. به لباس فاخر و گران‌بها اهمیت ندهد بلکه لباس او باید موجب وقار و متانت او باشد. رفتاری توأم با متانت و وقار و تواضع و فروتنی داشته باشد و در طرز نشستن خود، ادب و نزاکت را رعایت کند. معلم باید در قسمتی از کلاس بنشیند که همه‌ی شاگردان بتوانند چهره‌ی او را ببینند. او هم بتواند آن‌ها را مشاهده کند. ضمناً استاد باید نگاه خود را عادلانه میان همه‌ی شاگردان توزیع کند. فضای کلاس باید از هرگونه عوامل آزاردهنده مانند سروصدای زیاد یا سرگرم‌کننده‌ی حاضران که فکر آنان را به خود مشغول سازد به دور باشد. خود معلم نیز باید هنگام تدریس از عواملی که آرامش او را سلب می‌کنند یا فکر او را دچار تشویش و اضطراب می‌کنند مانند بیماری، گرسنگی، اندوه، خشم و ... مصون باشد. معلم نباید صدای خود را بیش از نیاز حاضران بلند کند. از سوی دیگر، نباید صدایش آن‌قدر آهسته و کوتاه باشد که احیاناً از سوی برخی حاضران درست شنیده نشود. معلم باید جلسه‌ی درس خود را از همه‌ی سروصدا و غوغا صیانت نماید و اگر یکی از شاگردان مرتکب عملی می‌شود که دور از نزاکت و انضباط کلاس بوده و رفتارش به هیچ وجه در خور یک محصل نیست، شدیداً از این گونه اعمال نابخردانه ممانعت به عمل آورد (۱۵). به طور کلی، استاد باید قادر باشد کلاس را کنترل و آن را اداره کند و تحقق این امر با حفظ خونسردی میسر است. استاد طی تدریس در مواردی مانند پاسخگویی به سؤالات دانشجویان، روبه‌رو شدن با

می‌گردد. ولی اگر بعضی از شاگردان از لحاظ تحصیل، کوشش و ادب بر دیگران مزیت داشته باشند، چنانچه معلم از آن‌ها احترام خاصی به عمل آورد و آنان را از لحاظ محبت و احترام بر دیگران ترجیح دهد و البته علت احترام و تقدیر را هم بیان کند، در این صورت تبعیض و تفاوت میان شاگردان مانعی ندارد، زیرا تقدیر و احترام به شاگردان کوشا و با نزاکت عامل موثری در ایجاد تحرک و انگیزه‌ی مفیدی است که آنان و نیز سایر شاگردان را وادار می‌سازد تا در اتصاف به چنین صفات مطلوبی سعی و کوشش نمایند (۱۶، ۱۵).

۴- رعایت اصول علمی آموزش و تدریس: معلم باید ترتیب و تسلسل علوم و معارف را به هنگام تدریس با توجه به پایه‌ی معلومات دانشجویان تنظیم نماید. ابتدا سطح معلومات آن‌ها را به خوبی محک بزند و پس از تعیین سطح و درجه‌بندی حدود آمادگی دانشجویان، ابتدا مطالب را به گونه‌ای آغاز نماید که سبب جلب توجه افراد ضعیف‌تر گردد و به تدریج سطح دروس را ارتقاء دهد تا دانشجویان مستعد و باهوش، خسته و دلزده نشوند. معلم باید با هر یک از شاگردان بر حسب میزان فهم و استعداد آن‌ها سخن گوید. او نخست باید مسأله را به طرز واضح و روشنی طرح کند، سپس در صورت نیاز با ذکر مثال به توضیح و تشریح آن بپردازد (۱۵). در روش تعلیم و تربیت ابن سینا نیز تأکید شده که معلم باید بر مبنای توجه به اختلافات فردی و استعدادهای گوناگون شاگردان به تعلیم آن‌ها بپردازد. هم‌چنین، لازم است برنامه‌ریزی آموزشی و تربیتی شاگردان بر مبنای مراحل رشد آن‌ها صورت گیرد (۱۷). معلم باید راه و روشی را برای تدریس خود انتخاب کند که از رهگذر آن، درس وی به آسان‌ترین وجه قابل فهم گردد. یک استاد باید نسبت به مباحثی که مطرح کرده یا نکات پیچیده و مهم، سؤالاتی مطرح کند و از دانشجویان بخواهد پاسخ آن را بیابند. این کار ضمن سنجش قدرت درک و فهم دانشجویان، آنان را با مسائل مهم و غامض آشنا کرده و به دقت و باریک‌اندیشی وادار می‌دارد. شایسته است استاد، دانشجویان را موظف سازد درس را

بی‌نظمی، ارتباط با دانشجویان، تکرار مطالب برای دانشجویان ضعیف‌تر و تنظیم روابط بین دانشجویان نیازمند مدارا و خونسردی است (۱۶).

نکته‌ی قابل تامل دیگر از اصول اخلاقی کلاس‌داری، اندکی درنگ استاد در کلاس بعد از پایان درس است. شهید ثانی علیه الرحمه، چهار فایده برای این کار برمی‌شمارد: ۱- اگر شاگردی پرسشی در ذهنش باقی‌مانده است می‌تواند آن را با استاد در میان بگذارد. ۲- ممکن است شاگردی مطلب و حاجتی داشته باشد که پیش از فراغ استاد از درس از بیان آن خودداری کرده و در این درنگ می‌تواند آن را بازگو کند ۳- خروج زودتر استاد از کلاس برای دانشجویان مزاحمت و تکلف ایجاد نکرده و مهم‌تر این‌که صدای کفش مشایعت‌کنندگان و شاگردان که پشت سر استاد حرکت می‌کنند ممکن است خطر آفت عجب و غرور را به دنبال داشته باشد و این درنگ در کلاس مانع از آن است. ۴- اگر استاد مرکب یا وسیله نقلیه‌ای دارد در جمع شاگردان بر آن سوار نمی‌شود و این نیز خود می‌تواند عاملی برای پیشگیری از تکبر و فخر فروشی استاد باشد (۱۵).

۶- مشورت و نظرخواهی از دانشجویان: در سطح آموزش عالی دانشجویان خواستار مشارکت در فعالیت‌های مربوط به خود و اظهار نظر در انجام آن هستند. استاد باید در حد ممکن در اموری که به دانشجویان ارتباط پیدا می‌کند با آنان مشورت و نظرخواهی کند. سطح مشارکت بسته به توانایی و شخصیت دانشجویان و میزان مهارت و اعتقاد استاد به اصل مشورت و نظرخواهی متفاوت است. استادان می‌توانند در زمینه‌هایی مانند شیوه‌های ارزشیابی، رویه‌های مدیریت کلاس، شیوه‌ی ارائه‌ی کلاس، وظایف دانشجویان در جریان تدریس و مواردی از این قبیل با آنان مشورت کنند (۱۶). این قبیل مشورت‌ها و مشارکت‌ها می‌تواند در آموزش یادگیری خود هدایتگر که به بیان Zubair Amin از ویژگی‌های آموزش بزرگسالان^۱ است، کمک‌کننده باشد (۱۸). مشورت استاد با

دانشجویان در امور مربوط به آن‌ها مزایای مختلفی دارد از جمله: واگذاری مسئولیت به دانشجویان و پاسخگو کردن آن‌ها در قبال مسئولیت واگذارشده؛ تعهد و پابندی دانشجویان به تکالیف و وظایفی که با مشارکت ایشان تعیین شده؛ مشارکت دانشجویان در اتخاذ تصمیم‌های مهم کلاس ضمن توجه به نیازها و خواسته‌های ایشان (۱۶).

۷- حفظ حیثیت و شئونات شغل معلمی: یک استاد باید مقام و حیثیت علم را ارج نهاده و آن را به خواری و ابتذال و فرومایگی نکشاند. در مکان‌ها و محافلی که شخصیت او را خدشه‌دار می‌نماید حاضر نشود. در امور اجتماعی کاملاً جانب اعتدال و احتیاط را رعایت نماید. در مواردی که اطلاع علمی ندارد اظهار نظر ننماید. در مشاغلی که به رشته‌ی تخصصی او مربوط نیست وارد نشود. در انظار عمومی از پوشیدن لباس‌های نامناسب یا رفتار سبک شدیداً پرهیز نماید و همواره نظیف و مرتب و با وقار باشد (۲).

۸- شهامت در اظهار حق: یکی از مهم‌ترین وظایف استاد این است که وقتی از او درباره‌ی موضوعی سؤال کردند که به آن احاطه و آگاهی ندارد، به عجز خود اعتراف نموده و بگوید از آن آگاهی ندارم یا بگوید درباره آن تحقیق نکرده‌ام یا بگوید باید در مورد آن تجدید نظر نمایم. از امام باقر علیه السلام روایت شده که فرمودند، آنچه را می‌دانید بر زبان آورید و درباره‌ی مطالبی که از آن‌ها آگاهی ندارید بگویید خدا داناتر است. امام صادق علیه السلام نیز در این باره با استناد به آیات قرآن فرمودند، در مورد مطالبی که به آن‌ها علم و اطلاع ندارید سخنی نگویید. این نکته بیانگر اصل صداقت است که در کدهای اخلاقی به آن زیاد اهمیت داده می‌شود. باید اعتراف کرد که این نکته‌ی اخلاقی مسأله‌ای است که اغلب اساتید از عمل به آن عاجزند و البته شاید همه‌ی تقصیر در این باب متوجه آنان نبوده و ناشی از عدم شهامت یا صداقت ایشان نباشد بلکه از آن‌جا که نظام آموزشی ما عموماً استادمحور است لذا از یک استاد انتظار می‌رود همه‌ی بار مسئولیت آموزش را به دوش بکشد و دانشجویان - بعضاً

^۱ Andragogy

فروتنی سامان می‌یابد و آباد می‌گردد، نه با تکبر و خودبزرگ بینی (۲). از سوی دیگر، استاد و دانشمند باید در عمل به علم خود بکوشد آن‌چنان‌که امام صادق علیه السلام فرمودند، اگر عالم و دانشمند به علم خود عمل نکند موعظه و اندرز او از دل‌ها می‌لغزد آن‌چنان‌که باران از روی سنگ صفا که صاف و لغزنده است می‌لغزد. شاید بر همین اساس است که سعدی شیراز نیز می‌فرماید: علم چندان‌که بیش‌تر خوانی، چون عمل در تو نیست نادانی.

با عنایت به موارد بر شمرده‌ی فوق که تنها بخش بسیار کوچکی از دستورات دین اسلام در زمینه‌ی استانداردها و اصول اخلاق حرفه‌ای معلمی است، متوجه می‌شویم که کدهای اخلاقی که توسط کشورهای مختلف جهان مطرح شده‌اند از جمله تسلط به محتوا، آشنایی به اصول آموزش، مساوات، صداقت، احترام به دانشجو و ... چیزی بیش از آموزه‌های دینی و توصیه‌های اخلاقی اسلام در امر تعلیم و تربیت نیستند، بلکه گستره و دقت و ظرافتی که در مبانی اخلاق حرفه‌ای برگرفته از اخلاق اسلامی وجود دارد آنچنان وسیع است که بیان تمامی آن‌ها منجر به تدوین چند ده صفحه کد و استاندارد اخلاقی خواهد شد. به نظر می‌رسد تبیین و تدوین اصول و ضوابط اخلاق حرفه‌ای معلمی در ایران چندان نیازمند استناد به استانداردهای جهانی نبوده و غنای فرهنگ و اندیشه اسلامی ایرانی در حدی است که خود به تنهایی تکافوی این مهم را کرده و صد البته می‌تواند راهنمای سایر فرهنگ‌ها نیز باشد. آن‌چه تحت عنوان الزامات اخلاق حرفه‌ای معلمی از منظر سایر کشورها مورد اشاره قرار گرفت تنها به منظور تأکید مقایسه‌ای بر همپوشانی این کدها با آن‌چه در آموزه‌های دینی اسلام به آن پرداخته شده، است.

۲ - نقش استاد در تربیت اخلاقی فراگیران

همان‌طور که پیش از این گفته شد اصول اخلاق حرفه‌ای اساتید در دو بخش اصول اخلاقی تدریس و اخلاق فردی قابل بحث هستند. در مقوله‌ی اخلاق فردی، فرض اخلاقی در مورد اساتید این است که به جهت دارا بودن نقش تعلیم و

حتی در مقاطع تحصیلات تکمیلی - تنها مانند یک گیرنده‌ی غیرفعال بوده و استاد باید پاسخ تمامی سؤالات آن‌ها را بداند تا ایشان نیازی به جست‌وجوی علمی نداشته باشند و هر استادی که در پاسخ سؤالی بگوید نمی‌دانم از نظر دانشجویان و حتی سیستم آموزشی، با انگ بی‌سوادی مواجه می‌شود. در حالی که شهید ثانی از قول یکی از دانشمندان بزرگ نقل می‌کند لا آدری ثُلثُ علم یعنی گفتن جمله نمی‌دانم در مورد مسائلی که به آن‌ها آگاهی نداریم، یک‌سوم علم و آگاهی انسان است. نکته‌ی مهم دیگر در جبران خطا و اشتباه است. اگر استادی به‌طور ناگهانی متوجه بیان یا پاسخ نادرستی شد باید هر چه زودتر و قبل از این‌که فراگیران متفرق شوند، بیان و پاسخ صحیح را تذکر دهد. نباید شرم و حیاء یا خودخواهی و امثال آن مانع از جبران اشتباه و لغزش وی شود. تأخیر در اصلاح یک اشتباه زیان‌هایی دارد که از جمله می‌توان به پایدار شدن آن مطلب غلط در ذهن دانشجویان یا عدم حضور برخی دانشجویان در جلسه‌ی بعد که استاد آن مطلب غلط را اصلاح می‌کند و از همه مهم‌تر مطیع‌شدن تدریجی در دام شیطان برای تداوم در اشتباه و تاخیر در جبران آن، اشاره نمود (۱۵).

۹- فروتنی و عمل به علم: پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله بر تواضع و خشوع استاد و شاگرد تأکید داشته و می‌فرمایند به آن‌هایی که درس می‌دهید و با افرادی که از آن‌ها می‌آموزید با نرمی و ملایمت رفتار کنید. تواضع استاد را از دو منظر می‌توان مورد توجه قرار داد یکی تواضع علمی و دیگری تواضع در گفتار و کردار. البته لازم به توضیح است که تواضع به معنای خدشه‌دار شدن حدود روابط استاد و دانشجو نیست. یکی از آفات عمل خالصانه، منت‌گذاری بر دیگران است. نصر و همکاران به نقل از نوری بیان می‌کنند که یاد دادن از وظایف دانشمندان است و انسان باید علم خود را در اختیار دیگران قرار دهد. بر این اساس، شاید هیچ معلم یا استادی نیست که در قبال عمل خود که بسیار ارزشمند است بر شاگردان یا دانشجویان خویش منت گذارد (۱۶). از حضرت عیسی علیه السلام نیز نقل شده که علم و حکمت با تواضع و

تربیت فراگیران، در قیاس با سایر حرفه‌ها باید مزین به بالاترین سطح استانداردهای اخلاق فردی باشند چرا که در جایگاه استادی به‌عنوان الگوی عملی و انسانی دانشجویان ایفای نقش کرده و می‌توانند ارزش‌های اخلاقی را پیش از ورود آنان به محیط‌های کاری و زندگی اجتماعی به‌عنوان مبنای افکار، تصمیمات و رفتار، در آن‌ها نهادینه کنند (۲، ۱). در واقع، این مسأله به نقش استاد در تربیت اخلاقی فراگیران بر می‌گردد. اعضای هیأت علمی دانشگاه‌ها و مراکز آموزش عالی به‌دلیل برخورداری از دانش و آگاهی بالا و نقش تأثیرگذاری که بر دانشجویان دارند از طریق رعایت حداکثری اصول و ارزش‌های اخلاق فردی می‌توانند موجبات انتقال ارزش‌های اخلاقی به دانشجویان و جامعه را فراهم آورند. در حال حاضر، تربیت و پرورش دانشجو متروک و مغفول مانده است و تنها به بُعد تعلیم دانشجویان پرداخته می‌شود، حال آن‌که بحث تعلیم و تربیت همیشه و همه جا، لازم و ملزوم هم بوده و هستند. برای دریافت اهمیت این وظیفه‌ی حرفه‌ای معلمی کافی است به پاسخ این سؤالات اندیشید که آیا کارکرد مدرسه و دانشگاه تنها انتقال برخی معلومات تئوری و عملی تخصصی به دانشجویان است؟ آیا اهمیتی ندارد دانشجویان با چه رفتار و منش و طرز فکری وارد حرفه‌ی تخصصی خود یا زندگی اجتماعی و فردی آتی می‌شوند؟ آیا تربیت اخلاقی افراد در نحوه‌ی زندگی شغلی، اجتماعی و فردی آن‌ها تأثیر گذار نیست؟ و آیا

متأسفانه، شرایط موجود و حاکمیت سیاست علم‌آموزی و رقابت علمی صرف، باعث شده دانشگاه‌های ما کم‌تر به مسأله‌ی مهم تربیت اخلاقی جوانان بپردازند. این در حالی است که آموزش ارزش‌ها همواره بخش مهمی از اهداف نظام‌های تربیتی است زیرا این نظام‌ها به منزله‌ی بخشی اساسی از کار خود، در پی آنند که فرهنگ و ارزش‌ها را به نسل آینده انتقال دهند (۱۹).

امروزه، در دانشگاه‌ها تلقی‌های نادرستی نسبت به وظایف تربیتی اساتید وجود دارد، به‌طوری که موجب شده نوعی

غفلت یا سطحی‌نگری درباره‌ی وظایف تربیتی استادان بروز و ظهور کند. نخست آن‌که برخی استادان گمان برده‌اند دامن زدن به چنین مسائلی، تنها در حیطه‌ی کاری اساتیدی است که دروس همخوان با اخلاق و تربیت را تدریس می‌کنند مثلاً ممکن است استادان علوم پایه، پزشکی، مهندسی و ... خود را از این رسالت دشوار مستثنی بدانند زیرا اساساً دروس آنان هیچ ربطی به این مسائل ندارد. از نگاه آنان استاد ریاضی نمی‌تواند حدیث اخلاقی بخواند و طرح مسائل اخلاقی بر عهده‌ی استادان دروس اخلاق و معارف یا دروس متقارب و متجانس با آن است. چنان‌که استاد اخلاق بحثی از ریاضی به میان نمی‌آورد، استاد ریاضی نیز نباید در این حوزه‌ها دخالت کند. در بخش دیگر، برخی استادان که در حوزه‌ی نشر اخلاق خود را صاحب مسؤولیت می‌یابند از حد روایتگری فراتر نمی‌روند و شاید تنها با خواندن چند آیه و روایت اخلاقی، احساس خوشایند و رضایت‌مندانه‌ای وجودشان را فرا گیرد. در این صورت اخلاق تنها جنبه‌ی تعلیمی می‌یابد و این در واقع همان نگرش تعلیم تهی از تربیت است (۱۴).

به‌نظر می‌رسد برای اصلاح این تلقی‌های نادرست باید دو نکته را مورد عنایت قرار داد:

۱- نخستین گام در رشد اخلاقی دانشجو، توجه به خودپیرایی و جان‌آرایی استاد یا همان تحلق به اخلاق فردی است. از این رو، هنگامی که از رسالت تربیتی سخن به میان می‌آید مخاطب اصلی خود استادان هستند. اگر آنان توانستند به یمن جامه‌ی تهذیب، جان خود را از عیب برهانند در دانشجویان نیز تأثیرگذار خواهند شد (۱۴). شهید ثانی می‌فرماید علم و دانش، وسیله‌ای است برای نیل به اخلاق کریمه و منزّه ماندن از خوی‌ها و کردار زشت. پیرایش نفس و پاکسازی نیت، اولین و مهم‌ترین اصل اخلاقی و وظیفه‌ای است که استاد در قبال خود دارد. او نباید در انجام وظایف خویش، اغراض و اهداف دنیایی و نادرست مانند حب مال، جاه طلبی، شهرت‌طلبی، برتری‌جویی نسبت به همکاران، تکبر، ریا، حسد و ... را وارد سازد؛ که در این صورت ضمن

رشددهنده ندارد بلکه به تلاش‌های اخلاقی آسیب هم می‌رساند (۱۴). باید توجه داشت که تربیت اخلاقی به‌گونه‌ای است که نمی‌توان آن را مانند آموزش ریاضی فقط در ساعاتی خاص اجرا کرد. بلکه این امر در هر وضعیت و مکانی قابل رخ دادن است. معلمان ضمن تدریس موضوعات گوناگون، در موقعیتی قرار دارند که تعلیم اخلاق می‌دهند. لذا باید به‌قدر کافی در رفتارهای خود تامل کنند و بکوشند ارزش‌ها را بدون تظاهر و به‌صورت واقعی در رفتار خود آشکار سازند (۱۹).

بر همین اساس، می‌توان گفت یکی از مهم‌ترین روش‌های درونی کردن ارزش‌های اخلاقی، آشکار شدن آن‌ها در رفتار واقعی مربی است، نه این‌که به‌وجود این ارزش‌ها تظاهر شود (۱۹). آنچه در برخی نظریه‌های یادگیری مطرح می‌شود نیز تأکید بر همین اصل است. مثلاً حامیان نظریه‌ی یادگیری اجتماعی^۱ Bandura معتقدند در آموزش مسائل اخلاقی یکی از موثرترین روش‌ها، آموزش غیر مستقیم ارزش مورد نظر است. باندورا معتقد است بسیاری از دانش‌ها، مهارت‌ها، گرایش‌ها و ارزش‌ها از طریق مشاهده، تقلید و سرمشق‌گیری آموخته می‌شوند. به‌عبارت دیگر، اولین گام در این نوع یادگیری، توجه به رفتار الگو است. این الگو می‌تواند والدین، معلم، قهرمانان مذهبی، سیاسی، اجتماعی، فرهنگی، هنری، ورزشی و ... باشند. فراگیر معمولاً رفتاری را که از معلم یا والدین خود به‌عنوان الگو مشاهده می‌کند به‌خاطر می‌سپارد و در مرحله‌ی بازآفرینی همان را تکرار می‌کند (۲۰). بر همین اساس، اگر الگوهای عملی مناسبی در رفتار معلمان آشکار گردد خود این امر جنبه‌ی آموزشی و تربیتی غیرمستقیمی بر دانش‌آموزان خواهد داشت و ذهنیت آن‌ها دگرگون خواهد شد. به‌عبارت دیگر، یکی از راه‌های موثر انتقال ارزش‌های اخلاقی، روش الگوپردازی^۲ است. در این روش معلم ارزش مورد نظر را به‌صورت موضوع تدریس و بحث و گفت‌وگو مطرح نمی‌کند بلکه بدون آن‌که درباره‌ی آن سخنی مطرح

این‌که از بهره‌های اخروی که در آیات و روایات برای دانشمندان و معلمان برشمرده شده است محروم می‌گردد بلکه شایستگی و صلاحیت اخلاقی لازم برای آموزش و تعلیم دانشجویان را نخواهد داشت چون اهداف و صفات رذیله‌ای که دارد دانشجویان را نیز تحت تأثیر قرار خواهد داد (۱۵، ۲).

۲- گام دوم تلاش در جهت تبلور عینی اخلاق در بروز رفتارهاست. اگر استادان عملاً به اخلاق فردی آراسته شده باشند، به‌گونه‌ای که رفتارشان موید گفتار آنان باشد دانشجویان مشتاقانه پذیرای چنین الگویی بوده و تأثیر رفتار استادان نیز ماندگار خواهد بود. با این نگاه در درس ریاضی نیز می‌توان بر دانشجویان تأثیر اخلاقی گذاشت (۱۴). کسی که به‌عنوان عالم و دانشمند در میان جامعه معرفی می‌شود، مردم به او چشم می‌دوزند تا آن‌جا که رفتار و گفتار و حتی فرم ظاهری او را الگو و سرمشق خود قرار می‌دهند. اگر روش و سیرت او نیک و مطلوب باشد و حالاتی شایسته و در خور یک دانشمند در او به‌وجود آید و تواضع و فروتنی را در برخورد با دیگران در پیش گیرد و در اعمال و رفتار خود دارای خلوص نیت باشد، اوصاف و خصوصیات او به دیگران منتقل می‌شود و خیر و نیکی در میان جامعه رونق می‌گیرد (۱۵). به همین دلیل اساتید همواره باید به یاد داشته باشند که در چه جایگاهی هستند و حتی در ارتباطات اجتماعی نیز دارای سلوک و منش متناسب با شأن استادی باشند (۲). مطمئناً آنچه برای حصول به این نتیجه مهم است، دوری از تظاهر در رفتار یا گفتار است. یکی از آسیب‌های جدی که تأثیرگذاری در اخلاق دانشجویان را دچار وقفه و اختلال می‌کند، ناهمگونی در رفتار و گفتار استادان است. برای مثال، اگر استادی صدها حدیث درباره‌ی نظم و نظم‌پذیری بخواند اما خود همواره دیر در کلاس حاضر شود و در عمل به بی‌نظمی شهره باشد، هیچ‌یک از آن گفتارها در مخاطبان تأثیر نخواهد داشت. بر عکس، اگر استادی رفتار درستی پیشه کند حتی اگر به مباحث تئوری آن نپردازد تأثیری مطلوب بر جای خواهد گذاشت. لذا گفتار و کردار متناقض نه تنها تأثیر

^۱ Social learning theory

^۲ Role modeling

شود آن را در قالب رفتار عملی خود به نمایش می‌گذارد. در این حالت دانش‌آموزان خود با ملاحظه‌ی آنچه در رفتار معلم مستتر است آن ارزش را خواهند آموخت (۱۹).

Kohlberg نیز که به دلیل ارائه‌ی تئوری تکامل اخلاقی مشهور است، همین مطلب را در قالب برنامه‌ی درسی پنهان^۱ بیان می‌کند. در واقع، Kohlberg از نخستین کسانی بود که در زمینه‌ی تربیت اخلاقی از برنامه‌ی درسی پنهان سخن به میان آورد (۲۱). برنامه‌ی درسی پنهان بنا بر تعریف عبارت است از یادگیری غیر رسمی که دانشجویان درگیر آن می‌شوند و غیرمرتبط با موضوع اصلی است که تدریس می‌شود (۲۲). از دیدگاه Kohlberg برنامه‌ی درسی پنهان در انتقال ارزش‌ها موثرتر از برنامه‌ی درسی رسمی است. از دید وی دانش‌آموزان بیشتر اوقات از طریق محیط و جو اخلاقی موجود در برنامه‌ی درسی پنهان، یاد می‌گیرند تا از کتب درسی و مواد آموزشی (۲۱).

اگر چه بیشتر کارهای Kohlberg روی دانش‌آموزان مدارس و تکامل اخلاقی ایشان بود اما تربیت اخلاقی و انتقال ارزش‌های اخلاقی مختص یک مقطع زمانی و تحصیلی خاص نیست و انسان‌ها متناسب با رشد قوای ذهنی و فکری خود، نیازمند تعلیم و تربیت هستند. توسعه و تثبیت اخلاق و منش‌های تربیتی از مهم‌ترین اهداف آموزشی در مقاطع مختلف تحصیلی است و لذا دانشگاه‌ها و اساتید نیز نقش مهمی در تربیت اخلاقی دانشجویان به عهده دارند (۲۳). از نظر Shelton و Brabeck دانشگاه‌ها باید وضعیت اخلاقی دانشجویان را ارتقاء داده و اساتید باید در این ارتباط نقش الگو را بازی کنند. اساتید باید در فعالیت‌های اخلاقی درگیر شوند چرا که در میان جوانان عناصر معتبری هستند که رفتار و گفتار آن‌ها تأثیر مهمی در محیط کلاس داشته و روی رفتار دانشجویان موثر است (۲۴، ۲۵). شواهد حاکی از آن است که خود اساتید و اعضای هیأت علمی نیز به این واقعیت اذعان داشته و معتقدند بسیاری از رفتار آنان به‌طور غیرمستقیم

و در قالب برنامه‌ی درسی پنهان به دانشجویان منتقل می‌شود. به‌عنوان نمونه، نتایج حاصل از کارگاهی که درباره‌ی حرفه‌ای‌گری اعضای هیأت علمی و برنامه‌ی درسی پنهان در سال ۲۰۰۵ در کنگره‌ی بین‌المللی سالانه‌ی انجمن آموزش پزشکی اروپا^۲ در آمستردام هلند برگزار شده بود نشان داد اساتید معتقدند مسائلی مانند صداقت آکادمیک، احترام و خودآگاهی در عمل، نوع‌دوستی، مراقبت و دلسوزی خالص نسبت به دانشجویان، پاسخگو بودن در قبال دانشجویان و مؤسسه و جامعه، تمایل به پذیرش اشتباهات، انسان بودن، تعهد به یادگیری در تمام طول زندگی و یادگیری مستمر، بهبود و ارتقاء مستمر تجربیات آموزشی، توسط آنان و از طریق برنامه‌ی درسی پنهان به دانشجویان منتقل می‌شوند (۱۳).

همه‌ی این توضیحات و شواهد بر این مسأله تأکید دارند که چون یکی از وظایف حرفه‌ای اعضای هیأت علمی، انتقال ارزش‌های مثبت به دانشجویان و تلاش در جهت درونی کردن ارزش‌های انسانی در آن‌هاست ضروری است اساتید توجه بیشتری به جنبه‌های اخلاق فردی و رفتاری خود داشته و بدانند که اخلاق و رفتار آن‌ها نقش مهمی در تربیت اخلاقی دانشجویان دارد (۲۴، ۲۱).

نتیجه‌گیری

پذیرفتن هر نقشی، مسؤولیت‌هایی به‌دنبال دارد و ایفای این مسؤولیت‌ها مستلزم رعایت جنبه‌های اخلاقی بسیاری است. تدریس و معلمی نیز حرفه‌ای است که اصولاً ماهیت اخلاقی دارد و اخلاق در همه جای آن جاری است (۲۶). پرداختن به اخلاق تدریس در دهه‌های اخیر در اغلب کشورهای جهان مورد توجه قرار گرفته و مبانی اخلاق معلمی و اصول تدریس در قالب کدهای اخلاق حرفه‌ای و استانداردهای حرفه‌ای گری تدوین شده‌اند. در دستورات اخلاقی اسلام که دیرینه‌ای ۱۴۰۰ ساله دارند نیز مبانی و

^۲ Association for Medical Education in Europe (AMEE)

^۱ Hidden curriculum

کدهای اخلاق حرفه‌ای معلمی به تفصیل بیان شده و به رعایت آن‌ها توسط کسی که به امر تعلیم و تربیت می‌پردازد توصیه‌ی اکید شده است. این مبانی اخلاقی در حرفه‌ی معلمی در ابعاد مختلف قابل بحث و تأمل هستند. نتایج این مطالعه نشان داد در حوزه‌ی آموزش که پررنگ‌ترین کارکرد دانشگاه‌ها و اصلی‌ترین نقش اساتید است اخلاق حرفه‌ای در قبال فراگیران جنبه‌های مختلفی دارد. در پاسخ به سؤال اول پژوهش مشخص گردید التزام اساتید به رعایت استانداردهای آموزشی، آشنایی با اصول تدریس و کلاس‌داری، تقید به مسؤولیت‌های حرفه‌ای، رعایت انصاف و عدالت، احترام و ادب، دلسوزی و صداقت در برخورد با دانشجویان و همکاران از جمله اصول اخلاق حرفه‌ای معلمی در قبال فراگیران هستند. بررسی متون در پاسخ به سؤال دوم پژوهش، حکایت از این دارد که اساتید دانشگاه‌ها به جهت جایگاه علمی خود بر دانشجویان تأثیرات الگوپذیری دارند لذا لازم است خود را ملتزم به رعایت اصول اخلاقی و متخلق به اخلاق فردی بنمایند تا آثار آن در عمل و نه در گفتار، در ایشان متجلی گشته و ضمن این‌که وظیفه‌ی تربیتی خود در قبال فراگیران و جامعه را به انجام می‌رسانند، از آلوده‌شدن به رذایلی چون جاه‌طلبی، کبر، غرور و ... که آفت مقامات بالایی علمی است به‌دور بمانند.

با عنایت به دستورات متعالی اسلام در زمینه‌ی استانداردهای اخلاقی تدریس پیشنهاد می‌شود در یک مطالعه‌ی تطبیقی، میزان پوشش محتوایی کدهای اخلاق حرفه‌ای تدوین شده توسط دانشگاه‌های سایر نقاط جهان با دستورات دین اسلام مقایسه شده و تعلیم و توصیه‌های اخلاقی اسلام در قالب کدهای استاندارد اخلاق حرفه‌ای تدوین و به مجامع بین‌المللی معرفی گردد. هم‌چنین، پیشنهاد می‌گردد میزان تبعیت و التزام اساتید دانشگاه‌ها به استانداردهای اخلاق حرفه‌ای در حوزه‌ی آموزش از دیدگاه مدیران، دانشجویان و خود اساتید مورد بررسی قرار گیرد تا نقاط قوت و ضعف موجود در این زمینه مشخص شده و بتوان برای تقویت یا رفع آن‌ها راهکارهایی پیشنهاد داد. بررسی نظرات و درک دانشجویان از تأثیرات رفتاری و گفتاری اساتید گروه‌ها و رشته‌های مختلف تحصیلی نیز می‌تواند در شناسایی عوامل تأثیرگذار بر تربیت اخلاقی دانشجویان کمک‌کننده باشد. در مجموع، شناسایی بهترین و مؤثرترین راهکارهای عملی برای ارتقاء سطح اخلاق آموزشی در دانشگاه‌ها از موضوعاتی است که نیاز به تحقیقات میدانی و کارشناسانه‌ی بیش‌تر دارد.

منابع

- ۱- نعمتی م، محسنی ه. اخلاق در آموزش عالی: مولفه‌ها، الزامات و راهبردها. تهران: نشر پژوهشکده تحقیقات استراتژیک؛ ۱۳۸۹، ص ۱۴، ۱۶، ۲۸-۲۶.
- ۲- گلمحمدی ر، مطهری‌پور م، چراغی م، میراسماعیلی اف. بایسته‌های اخلاق در آموزش دانشگاهی. همدان: انتشارات دانشگاه علوم پزشکی همدان؛ ۱۳۸۹، ص ۵۵-۵۱.
- ۳- مطهری م. تعلیم و تربیت در اسلام. تهران: انتشارات الزهراء؛ ۱۳۸۷، ص ۴۸-۴۷.
- ۴- آراسته ح ر. جاهد ح. رعایت اخلاق در دانشگاه‌ها و مراکز آموزش عالی: گزینه‌ای برای بهبود رفتارها. فصلنامه نشاط علم ۱۳۹۰؛ ادوره اول (شماره ۲): ۴۰-۳۱.
- ۵- قراملکی اف. اخلاق حرفه‌ای، چاپ دوم. تهران: انتشارات مجنون؛ ۱۳۸۵.
- ۶- فراستخواه م. اخلاق علمی رمز ارتقای آموزش عالی: جایگاه و ساز و کارهای اخلاقیات حرفه‌ای علمی در تضمین کیفیت آموزش عالی ایران. فصلنامه اخلاق در علوم و فناوری ۱۳۸۵؛ شماره ۱۳-۱: ۲۷.
- 7- Anonymous. Association of American Educators: AEE code of ethics for educators. <http://aaeteachers.org/index.php/about-us/aae-code-of-ethics> (accessed in 2011).
- 8- Anonymous. Ontario College of Teachers: The ethical standards for the teaching profession. <http://www.oceo.ac> (accessed in 2011).
- ۹- رحمان سرشت ح. اخلاق؛ جزء نادیده گرفته شده سیاست‌های آتی آموزش عالی. فصلنامه پژوهش و برنامه ریزی در آموزش عالی ۱۳۸۰؛ شماره ۲۰: ۱۲۶-۱۰۳.
- 10- Anonymous. Ethical issues in university teaching. <http://www.uregina.ca/tde/ethical%20issues.htm> (accessed in 2011).
- 11- Anonymous. Florida Department of Education. <http://www.fldoe.org> (accessed in 2011).
- 12- Anonymous. Code of Ethics, National Education Association. <http://www.nea.org/home/30442.html>. (accessed in 2011).
- 13- Glicken A D, Merenstein G B. Addressing the hidden curriculum: Understanding educator professionalism. Med Teach 2007; 29(1): 54-7.
- ۱۴- ثنائی ح. تحلیلی بر آسیب‌ها و راهکارهای رشد اخلاقی در دانشگاه. مجله پگاه حوزه ۱۳۸۵؛ شماره ۱۹۲: ۱۹.
- ۱۵- شهید ثانی. آداب تعلیم و تعلم در اسلام، ترجمه‌ی حجتی م. ب. تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی؛ ۱۳۷۰، ص ۱۳۰-۱۲۲، ۱۵۲-۱۴۵.
- ۱۶- نصر ا ر، عابدی ل، شریفیان ف. نقش روابط انسانی در اثربخشی تدریس اعضای هیأت علمی دانشگاه با تأکید بر دلالت‌های تربیت اسلامی. مجله علوم اجتماعی و انسانی دانشگاه شیراز ۱۳۸۶؛ دوره ۲۶ (شماره ۳): ۱۹۱-۱۶۵.
- ۱۷- زیباکلام‌مفرد ف، حیدری س. بررسی دیدگاه ابن‌سینا در باب تعلیم و تربیت (مبانی، اصول، اهداف، محتوی، روش). مجله روانشناسی و علوم تربیتی ۱۳۸۷؛ دوره ۳۸ (شماره ۳): ۱۱۳-۸۹.
- 18- Amin Z, Eng H Kh. Basics in medical education. Singapore: World Scientific; 2006. p. 4-5.
- ۱۹- خسروی ز، باقری خ. راهنمای درونی کردن ارزش‌های اخلاقی از طریق برنامه‌ی درسی. فصلنامه مطالعات برنامه‌ی درسی ۱۳۸۷؛ دوره ۲ (شماره ۸): ۱۰۵-۸۱.
- ۲۰- شعبانی ح. مهارت‌های آموزشی و پرورشی. تهران: انتشارات سمت؛ ۱۳۸۲، ص ۵۷-۵۲.
- 21- Yuksel S. Kohlberg and idden curriculum in moral education: an opportunity for students' acquisition of moral values in the new Turkish primary education curriculum. Educ sci Theory Pract 2005; 5(2): 329-38.
- 22- Dent JA, Harden RM. A practical guild for medical teacher, 2nd ed. China: Elsevier; 2005, p.12
- ۲۳- نوروززاده ر، افشارع، رضایی ن. اخلاق علمی در فرآیند پژوهش (بایدها و نبایدها). تهران: نشر پژوهشکده تحقیقات استراتژیک؛ ۱۳۸۹، ص ۴۷.
- 24- Brabeck MA. In response: faculty as moral models. Convers Jesuit Higher Educ 1992; 2(1): 22-3.
- 25- Nadelson S. Academic misconduct by university students: aculty perceptions and responses. Plagiarism 2007; 2(2): 1-10.
- 26- Pring R. Education as a moral practice. J Moral Educ 2001; 30(2): 101-12.

Ethical principles in education

Masoumeh Imanipour¹

Nursing & Midwifery Care Research, Tehran University of Medical Sciences, Tehran, Iran.

Abstract

Every organization has ethical codes and behavioral standards suited to its professional structure that are referred to as professional ethics. Higher education is a professional system and the faculty should be aware of ethical standards of teaching considering their role in developing students and their obligation to them. Applying professional ethics in education ensures the right teaching-learning process in higher education institutions and can result in more commitment to students' needs.

The aim of this review article, which is based on literature and related books and articles, is to examine the professional ethics of faculty as teachers and their role in the education and moral development of their students in view of ethical standards. In order to do this, samples of Islamic ethical issues related to the subject and some educational ethical rules of other countries have been investigated.

Based on the professional ethics of teaching, teachers should pledge to ethical principles in two dimensions: firstly, they should behave decently considering their role in the students' moral development, and should be aware that the most effective method to characterize positive values in students is being actual role models. Secondly, because of the teachers' responsibility in meeting the educational needs of their students, they should have maximal commitment to ethical principles to perform professional tasks in the best way possible.

Keywords: professional ethics, education, ethical principles

¹ Email: m_imanipour@tums.ac.ir